

## حکایت ببری خان، گربه ناصرالدین شاه

۱۹ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۴۹

ناصرالدین شاه قاجار گربه ای داشت به نام ببری خان که خیلی به آن علاقمند بود. علت علاقه شاه به این گربه حکایتی شنیدنی دارد.

ببری خان به غلط، نام گربه‌ای بود آلا پلنگ که شاه او را بسیار دوست می‌داشت. در آن اوان شاه را تبی سخت عارض شد و روزی چند در بستر بیماری و ناتوانی بخوابید. گربه مزبور که تازه بچه آورده بود روز بعد به اقتضای طبیعت به تغییر مکان آنها پرداخت. هنگامی که یکی از بچه‌هایش را به دندان گرفته و از کنار بستر می‌گذشت. زبیده خانم ملقب به امینه اقدس به درون اتاق آمد و در را که گربه از همان به درون آمده بود از پشت خود بست. گربه همین که راه بیرون شدن را بسته دید چند دور گرد بستر گشت و در پای شاه سرگردان ایستاد. زبیده خانم از مشاهده‌ی این حال رو به شاه کرده گفت: قربان امشب عرق خواهید کرد و تب خواهد برید. از قضا صبحگاه تب شاه قطع شد و پس از آن ببری خان مقامی بلند یافت و دارای تشک اطلس و پرستار و خوراک مخصوص شد.

زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، دوستعلی خان معیر الممالک، ص ۸۸

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۷۶۰/شاه-ناصرالدین-گربه-خان-ببری-حکایت/>